



گرفت. عده‌ای که در داخل به این فرض قائل هستند معتقدند که جمهوری اسلامی ایران هم باید تصمیم بگیرد که در کدام یک از این بلوک‌های در حال شکل‌گیری بازی کند؟ به نظر شما چقدر این روایت واقع‌بینانه است؟

همان‌طور که در ابتدای بحث گفتیم، من معتقدم که در وضع فعلی در محیط بین‌الملل، هم کنشگران متنوع شده‌اند و هم نوع کنش‌ها، به‌ویژه در هارت‌لند، به سمت فضای نظامی و امنیتی (البته به‌نحو محاسبه‌شده) و فاصله گرفتن از توافقات سیاسی پیش می‌رود. ما شاهدیم که امروزه اساساً نوع جنگ‌ها دارد تغییر می‌کند. مثلاً جنگ ترکیبی پدیده‌ای است که از آن به‌عنوان یک جنگ نوین، یک روش نوین باید یاد کرد. در عراق، در دوره نخست‌وزیری آقای عادل عبدالمهدی، اتفاقاتی افتاد که به کناره‌گیری او منجر شد. طرف‌های آمریکایی که برنامه‌ریزی کرده بودند، در جلسه‌ای گفته بودند با استفاده از فضای مجازی و با کشاندن سسی هزار نفر زن و جوان عراقی به کف میدان، در مقابل حدود چهل میلیون نفر مردم آن کشور، توانستیم دولت عادل عبدالمهدی را ساقط کنیم. همین کاری که این روزها در ایران خیلی برایش تلاش کردند که با تحریک اقلیتی، اهدافشان را برای تغییر ساختار در ایران یا تغییر نگاه جمهوری اسلامی ایران عملی کنند، در همین چهارچوب الگوی پیاده‌شده در عراق بود. بنابراین جهان هنوز در دوران گذار و انتقال است؛ «از یک‌جانبه‌گرایی به چندجانبه‌گرایی». اما امروزه دیگر کسی مثل قبل نمی‌تواند از قطب صحبت کند. وقتی می‌گوییم در حال گذار هستیم، در ادبیات سیاسی جنگ سرد این گذار از جهان تک‌قطبی به جهان چندقطبی بود، اما امروز از یک‌جانبه‌گرایی به چندجانبه‌گرایی است. لذا آن

چیزی که منافع جمهوری اسلامی ایران را تأمین می‌کند، این است که جمهوری اسلامی ایران با بازتعریف مکرر توانمندی‌ها، تولید و بازتولید قدرت خود و رفع مشکلاتش، می‌تواند یک کنشگر اصلی در جهان باشد.

یعنی نه ضرورت دارد و نه بایسته است که ذیل یکی از ارکان قدرت فعلی قرار بگیریم؟

دقیقاً. من وضع فعلی جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان یک «قدرت فرامنطقه‌ای» تعریف می‌کنم. از منظر علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، جمهوری اسلامی ایران، امروز یک «قدرت فرامنطقه‌ای» است که از قدرت منطقه‌ای بالاتر است. ما در سطح جهانی یک کنشگر قوی و فعالیم. یعنی جمهوری اسلامی ایران بسیاری از معادلات جهانی را می‌تواند تغییر دهد. امروز، به‌صراحت می‌توانیم بگوییم هشتادویک کشور برای سرنگونی متحد ما در سوریه وارد عمل شدند. جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با این چالش، خودش را در معادله‌ای قرار داد که یک لایه آن داعش بود، یک لایه آن امکانات گسترده‌ای بود که فراهم کرده بودند و یک لایه دیگرش فشارهای فضای سیاسی بود، اما ایران توانست در تراز یک قدرت جهانی کنشگری داشته باشد. یک وقتی من در اوج دوران بحران سوریه به یکی از این کشورهای بزرگ سفری داشتم. یکی از مقامات عالی آن کشور به من گفت که آمریکایی‌ها از ما خواسته‌اند که در کنار بشار اسد نباشیم. علاوه بر این، گفته‌اند رابطه شما با ایران خوب است، با ایرانی‌ها صحبت کنید و بگویید از بشار فاصله بگیرید، در ازای آن ما منافع ایران در آینده سوریه را تأمین خواهیم کرد. آن فرد گفت، ما بررسی کردیم، دیدیم از ابتدای انقلاب اسلامی در هر معادله‌ای که ایران به آن وارد شده، به‌رغم مخالفت آمریکایی‌ها و برخی از

کشورها، در نهایت جمهوری اسلامی ایران در آنجا توانسته حرف خودش را به کرسی بنشانند؛ گفت، ما در نهایت به آمریکایی‌ها گفتیم اگر فقط ما بودیم و بشار اسد، شاید این کار را می‌کردیم، می‌گفتیم عیبی ندارد، بشار اسد بود، نظام حکومتی برپا می‌ماند، حتی حزب بعث هم بماند و یک نفر دیگر نباید در رأس قدرت قرار بگیرد، اما یک بازیگر مهم به نام ایران هم در این معادله وجود دارد. ما نمونه‌های مختلفی دیدیم که اگر جمهوری اسلامی ایران در بازی‌ای در منطقه وارد شود، موفق بیرون می‌آید. اگر تصمیم بگیریم که از بشار اسد عبور کنیم و فردا ایران از این بازی موفق بیرون بیاید، آنگاه ما هم بشار اسد، هم سوریه و هم ایران را از دست خواهیم داد. لذا به آمریکایی‌ها گفتیم حاضر نیستیم چنین معامله‌ای با شما بکنیم؛ بگذارید ما سیاست خودمان را در منطقه دنبال کنیم، جلو بروید و ببینیم به کجا می‌رسیم. این به چه دلیل است؟ به‌دلیل ظرفیت کنشگری جمهوری اسلامی ایران است.

کشورها، در نهایت جمهوری اسلامی ایران در آنجا توانسته حرف خودش را به کرسی بنشانند؛ گفت، ما در نهایت به آمریکایی‌ها گفتیم اگر فقط ما بودیم و بشار اسد، شاید این کار را می‌کردیم، می‌گفتیم عیبی ندارد، بشار اسد بود، نظام حکومتی برپا می‌ماند، حتی حزب بعث هم بماند و یک نفر دیگر نباید در رأس قدرت قرار بگیرد، اما یک بازیگر مهم به نام ایران هم در این معادله وجود دارد. ما نمونه‌های مختلفی دیدیم که اگر جمهوری اسلامی ایران در بازی‌ای در منطقه وارد شود، موفق بیرون می‌آید. اگر تصمیم بگیریم که از بشار اسد عبور کنیم و فردا ایران از این بازی موفق بیرون بیاید، آنگاه ما هم بشار اسد، هم سوریه و هم ایران را از دست خواهیم داد. لذا به آمریکایی‌ها گفتیم حاضر نیستیم چنین معامله‌ای با شما بکنیم؛ بگذارید ما سیاست خودمان را در منطقه دنبال کنیم، جلو بروید و ببینیم به کجا می‌رسیم. این به چه دلیل است؟ به‌دلیل ظرفیت کنشگری جمهوری اسلامی ایران است.

یعنی جمهوری اسلامی ایران به‌طور مستقل، سیاستش را خودش طراحی می‌کند و خودش هم پیش می‌برد، قدرت‌های بزرگ هم باید نگاه کنند به اینکه نظر ایران به‌هر حال باید تأمین شود.

وقتی که در عرصه اراده‌ورزی نگاه می‌کنیم، ایران را واقعاً در تراز قدرت جهانی می‌بینیم. اما در عرصه‌های دیگر باید ایران را یک قدرت فرامنطقه‌ای بدانیم؛ مثلاً باید بپذیریم که در عرصه اقتصادی چنین نیست. نه صرفاً به‌دلیل تحریم‌ها، بخش زیادی از آن به علت سوءمدیریت‌ها و مسائل دیگری است که در دولت‌های مختلف شکل گرفته و امروز دولت آقای دکتر رئیسی وارث این وضعیت است. ما باید بتوانیم شاخص‌های

اقتصادی‌مان را تقویت کنیم و بهبود ببخشیم؛ اگرچه در بسیاری از شاخص‌ها هم‌اکنون برتریم. من آقای سعود الفیصل، وزیر خارجه اسبق سعودی، را چند ماه قبل از فوتش در جده دیدم. او گفت، چرا شما رابطه‌تان با آمریکا را درست نمی‌کنید؟ گفتم، شما ایده‌ای دارید؟ گفت، یک زمانی ملک (شاید ملک عبدالله بود) بیماری‌ای داشت که باید عمل جراحی خیلی ویژه‌ای انجام می‌داد. رئیس‌جمهور وقت آمریکا آمده بود و مهمان ما بود. از او پرسید حالت چطور است؟ توضیح داد با چنین مشکلی مواجهم و حالا به‌دنبال درمان هستیم. رئیس‌جمهور آمریکا به او گفت برای عمل بیا آمریکا، بهترین تیم درمان را در اختیار قرار می‌دهم. گفت، رئیس‌جمهور رفت و هفته بعد پیام داده شد که بیمارستان آماده است، برای مقدمات کار ملک می‌توانید بیایید. گفت، من و وزیر بهداشت جلوتر رفتیم. در یکی از ایالت‌های آمریکا یک بیمارستان مجلل را تدارک دیده بودند. ما باید بررسی می‌کردیم چه کسی می‌خواهد پادشاه عربستان را جراحی کند که رئیس‌جمهور آمریکا این قدر برایش مایه گذاشته است. گفت بعد از بررسی‌ها، وزیر بهداشت به من گفت تیم اصلی پزشکان که قرار است پادشاه را عمل کند، پنج نفر است که سه نفر از این پنج نفر متخصص ایرانی‌اند و رئیس دپارتمان جراحی هم که قرار است این کار را انجام بدهد، یک متخصص ایرانی است. رئیس بیمارستان هم یک متخصص ایرانی است. سعود الفیصل گفت، من واقعاً تعجب کردم شما که تا این حد در آمریکا نفوذ دارید چطور این قدر در روابطتان باهم مشکل دارید؟ گفت، البته خود ملک این‌خاطر را برای رئیس‌جمهور وقت شما تعریف کرده بود.

طی دوسه دهه گذشته علت این فشار حداکثری که غربی‌ها با تحریم به ایران آوردند واقعاً چه بود؟ به این علت بود که ما موشک دوربرد برای دفاع از کشور نداشته باشیم، برای این بود که ما در مدار زمین نتوانیم ماهواره قرار دهیم، برای جلوگیری از توسعه امکانات ما در حوزه فناوری بود، به این دلیل بود که در فناوری هسته‌ای موفق نشویم. زمانی اینجا در وزارت خارجه، آقای دکتر صالحی وزیر بود و ما از نزدیک با او کار می‌کردیم. خوب می‌دانید، او در دانش هسته‌ای جزو دانشمندان تراز اول جهانی است. می‌گفت دانش هسته‌ای در هر کشوری نیست؛ اینکه قدرت‌ها این قدر به آن حساس‌اند و نمی‌گذارند ایران دانش هسته‌ای داشته باشد، به این دلیل است که کشوری که به دانش هسته‌ای می‌رسد باید همه دانش‌ها را با هم داشته باشد، چون دانش هسته‌ای یک دانش تجمعی است؛ فیزیک، شیمی، ریاضی، محیط زیست و بسیاری علوم دیگر با هم در این دانش جمع می‌شوند؛ لذا همه این تخصص‌ها در کشور باید در یک تراز بالا بیاید که وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند، از دانش هسته‌ای به‌عنوان خروجی بهره‌برداری شود. از یک منظر خوب می‌فهمند که وقتی دانش هسته‌ای در ایران رشد کند، یعنی شاخه‌های مختلف علوم در ایران رشد کرده است. اتفاقاً در همین اوضاع تحریم‌ها ما بیشترین پیشرفت را در صنعت دفاعی، صنعت هسته‌ای و شماری دیگر از صنایع داشتیم. من تردید ندارم که به همت دختران و پسران بانگیزه و پرتلاش کشورمان، در همه عرصه‌ها بالاترین پیشرفت‌ها را خواهیم داشت و این مسیر تداوم خواهد یافت. امروز جمهوری اسلامی ایران یکی از فعال‌ترین کنشگران علمی و در عرصه دانش، صاحب تولید مقالات علمی قابل توجه است. مردم ما به این تلاش‌ها بر خود می‌بالند.



این‌طور نیست که امروز بخواهیم کشور را به روسیه یا چین گره بزنیم. ما در همکاری مشترک منافی با روسیه و چین داریم، حتی منافی با قاره آمریکا و اروپا داریم و در چهارچوب این منافع اقدام می‌کنیم